جلسه 55-681

**دو‌شنبه - 21/10/94**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که آیا تقدیم حلق و تقصیر بر یوم العید جائز هست یا جائز نیست؟

عرض کردیم تارة فرض می‌شود شخص مختار هست و تارة فرض می‌شود که شخص معذور است. اگر مختار باشد تسالم قطعی هست که باید حلق و تقصیر را بعد از طلوع آفتاب روز دهم انجام بدهد. و از روایات هم این مطلب استفاده شده. یکی: صحیحه جمیل است که مفادش این است که نباید حلق و تقصیر قبل از ذبح یا قبل از رمی انجام بشود. و چون ذبح و رمی از واجبات روز عید است و قبل از روز عید نمی‌شود انجام داد رمی جمره عقبه و یا ذبح را و باید بعد از طلوع ‌آفتاب انجام بشود حلق و تقصیر هم که بعد از این‌ها است او هم باید بعدا انجام بشود.

[سؤال: ... جواب:] شرط رمی جمره عقبه این است که روز عید است. شرط ذبح هم این است که روز عید باشد. آن وقت روایت می‌گوید متعمد نباید حلق و تقصیر را قبل از ذبح انجام بدهد یا قبل از رمی انجام بدهد. ... فرق نمی‌کند. فرض این است که متعمد اگر قبل از رمی یا قبل از ذبح بیاید حلق و تقصیر بکند مجزی نیست. بخواهد شب عید حلق و تقصیر بکند عملا می‌شود حلق و تقصیر قبل از ذبح یا قبل از رمی؛ و مجزی نیست. ... می‌گوید باید تاخیر بیندازد حلق و تقصیر را از ذبح و رمی. تعبیر این است که الرجل یزور البیت قبل ان‌یحلق قال لاینبغی الا ان‌یکون ناسیا ثم قال ان رسول الله صلی الله علیه و آله اتاه اناس یوم النحر فقال بعضهم یا رسول الله انی حلقت قبل ان‌اذبح و قال بعضهم حلقت قبل ان‌ارمی. فلم یترکو شیئا کان ینبغی ان‌یؤخروه الا قدموه فقال لاحرج.

روایت دوم موثقه عمار ساباطی است عن رجل حلق قبل ان‌اذبح قال یذبح و یعید الموسی. موسی همان تیغ هست که ابزار سرتراشی است. لان الله تعالی یقول و لاتحلقوا رئوسکم حتی یبلغ الهدی محله. این روایت معارض هست با صحیحه عبدالله بن سنان؛ چون این موثقه عمار می‌گوید کسی که قبل از ذبح حلق بکند باید حلقش را بعد از ذبح اعاده کند. چطور حلقش را بعد از ذبح اعاده می‌کند؟ مو ندارد. روایت می‌گوید چاره‌ای نیست؛ این دسته تیغ را بردارد بکشد به سرش؛ یعید الموسی. یعنی حلق قبل از ذبح مجزی نیست. این معارض است با صحیحه عبدالله بن سنآن‌که می‌گوید رجل حلق رأسه قبل ان‌یضحّی (یعنی قبل ان‌یذبح) قال لابأس و لیس علیه شیئ و لا یعودنّ. این‌ها با هم متعارضند و لذا موثقه عمار قابل استدلال نیست.

[سؤال: ... جواب:] همین مورد امام در موثقه عمار فرمود یذبح و یعید الموسی در صحیحه عبدالله بن سنان فرمود که لابأس و لیس علیه شیئ.

[سؤال: ... جواب:] لابأس و لیس علیه شیئ. ... این باید بعدا بحث کنیم که آیا این جمع عرفی است که لابأس و لیس علیه شیئ یعنی لابأس بحجه و لیس علیه اعادة الحج و لکن علیه اعادة الحلق. شما این‌طور می‌فرمایید. ... تعارض که دارند حالا ببینیم آیا شاهد جمعی هست یا نیست بحثی است که باید در جای خودش بکنیم. ... نه؛ ممکن است معنایش این باشد که مجزی است هرچند نباید این کار را بکند که برخی این‌طور می‌گویند؛ می‌گویند دیگر این کار را تکرار نکند ولی مجزی است. مثل کسی که خارج منی حلق و تقصیر بکند عمدا هم اگر باشد از آقای سیستانی بپرسد آقای سیستانی می‌گوید لابأس و لایعودنّ. مجزی هست حلق و تقصیر در خارج منی و لو متعمدا اما این کار را دیگر نکنید چون واجب است حلق و تقصیر در منی اما اگر خارج منی هم حلق و تقصیر بکنید مجزی است. این مشکلی ندارد. این روایت هم ممکن است این را می‌خواهد بگوید که لابأس مجزی است و لکن دیگر تکرار نکند. ولی آن موثقه عمار می‌گفت مجزی نیست.

روایت سوم که ممکن است به آن استدلال بشود بر عدم جواز حلق و تقصیر در قبل از روز عید قربان روایت عمر بن یزید هست. روایت عمر ین یزید سندش مشکل دارد چون در سندش محمد بن عمر هست که توثیقی برایش ثابت نیست. ولی بقیه سند مشکل ندارند محمد بن عمر عن محمد بن عذافر که شیخ و نجاشی توثیقش کرده عن عمر بن یزید او هم که ثقه است فقط مشکل محمد بن عمر است عن ابی عبدالله علیه السلام اذا ذبحت اضحیتک فاحلق رأسک و اغتسل و قلّم اظفارک و خذ من شاربک. این هم سندش مشکل دارد و الا دلالتش تمام است. اذا ذبحت اضحیتک فاحلق رأسک ظاهرش این است که قبل از آن نباید حلق رأس بکنید. یعنی امر به حلق به رأس ندارید قبل از ذبح. امر به حلق رأس که نداشتید ظاهرش این است که یعنی آن‌که جزء حج است و امر دارد، حلق بعد از ذبح است؛ قبل از ذبح امر به حلق ندارید.

[سؤال: ... جواب:] اذا ذبحت اضحیتک فاحلق رأسک یعنی آن حلق ماموربه بعد از ذبح است.

روایت چهارم روایت موسی بن القاسم هست عن علی قال لایحلق رأسه و لایزور حتی یضحی (ای حتی یذبح) فیحلق راسه و یزور متی شاء. نباید حلق راس بکند حاج مگر بعد از ذبح.

سند این روایت مشکل دارد. این علی مشخص نیست که چه کسی است.

در استبصار دارد عن علی علیه السلام.

این علیه السلام‌ها اصلا معلوم نیست از خود مؤلفین باشند؛ این را بعدا نساخ اضافه می‌کردند. و لذا در خود تهذیب نیست این تعبیر علیه السلام؛ فقط در استبصار هست. این اصلا ظهور ندارد در این‌که علیه السلام را خود شیخ طوسی گفته است. و لذا در یک جایی که می‌گوید مات فی زمن ابی جعفر نگاه کنید نوشتند علیه السلام؛ مشخص است این ابی جعفر منصور دوانیقی است نساخ [در] مات فی زمن ابی جعفر، یک علیه السلام گذاشتند. و لذا هیچ اعتباری به این‌ها نیست.

مرحوم علامه مجلسی علی ما ببالی می‌گوید موسی بن القاسم از اصحاب امام رضا علیه ا لسلام بوده. می‌شود عن علی بن موسی الرضا علیه السلام. و سند تمام می‌شود.

و لکن موسی بن القاسم اصلا حدیثی از امام رضا ندارد. این اولین بار است. از امام جواد حدیث دارد موسی بن القاسم ولی از امام رضا حدیث ندارد. بعد آن‌وقت علی بقول مطلق بگوید مثل این‌که دوست صمیمیش است؛ این‌ها خلاف ظاهر است. آن هم امام رضا که نواده‌ها را می‌گویند ابن الرضا یعنی اینقدر بین مسلمین عظمت داشت آن وقت بیایند بگویند عن علی این بعید است. عن ابی الحسن می‌گویند؛ عن ابی الحسن الرضا عن الرضا. اما عن علی بقول مطلق بعید است. و عرض کردم موسی بن القاسم اصلا به غیر از این، حدیثی از امام رضا علیه السلام ندارد؛ فقط این است که این هم ظهور ندارد در این‌که امام رضا است.

و لذا بعضی‌ها دیدیم در این درایة النور زدند این علی بن الحسن الطاطری است که خیلی وجهش برای ما واضح نیست؛ چون ممکن است علی بن جعفر باشد کما این‌که علامه در مختلف این حدیث را نقل می‌کند می‌گوید موسی بن القاسم عن علی بن جعفر که البته موسی بن القاسم از علی بن جعفر حدیث زیاد دارد اما مراد از علی در اینجا علی بن جعفر باشد این هم واضح نیست. علی بن رئاب هم می‌تواند باشد. علی‌های دیگر هم هستند در روات. و لذا ما نمی‌دانیم این علی کیست.

اگر علی بن جعفر باشد یا علی بن رئاب باشد یا علی بن الحسن الطاطری باشد این‌ها ثقات هستند. اما باز مقطوعه می‌شود حدیث. کی می‌گوید از امام این حدیث نقل شده؟ علی بن الحسن الطاطری این‌طور گفته یا علی بن جعفر این‌طور فرموده یا علی بن رئاب این‌طوری بیان کرده سند بی اعتبار است.

علاوه بر این‌که ما دلیل داریم که جواز حلق مشروط به فعلیت ذبح نیست. اگر کسی هدیش را تهیه کند و در محلی که مجزی است ذبح هدی، هدیش را بیاورد جائز است بر او حلق یا تقصیر و لو هنوز ذبح واقع نشده. دلیل: معتبره ابی بصیر: اذا اشتریت اضحیتک و قمطتها فی جانب رحلک (قمطتها یعنی دست و پای او را ببندی) فقد بلغ الهدی محله فان احببت ان‌تحلق فاحلق. تجویز کرد حلق را بعد از تحصیل هدی به منی. البته فی جانب رحلک یعنی فی جانب رحلک بمنی. منی خصوصیت ندارد مکانی که یصح فیه الذبح. حالا الان منی ممکن نیست، در مکه قربانی را تهیه کردند از شب قبل گذاشتند؛ دیگه مشکل ذبح برطرف شد. تحصیل هدی کردند چرا الان نتواند حلق و تقصیر بکند؟ شما می‌گفتید باید حلق و تقصیر بعد از ذبح باشد دلیل آمد گفت یا بعد از ذبح یا بعد از تحصیل هدی در مکانی که یصح فیه الهدی.

[سؤال: ... جواب:] ببینید دیگه شما به دلیلی که می‌گفت لاتحلق الا بعد ان‌تذبح نمی‌توانید تمسک کنید بگویید ذبح چون باید در روز عید باشد حلق هم باید بعد از ذبح باشد پس حلق در شب عید مجزی نیست. می‌گوییم نه، یک مقدمه شما مخدوش شد. مقدمه اولی که گفتید چون باید حلق بعد از ذبح باشد نخیر متعین نیست حلق بعد از ذبح باشد. می‌شود حلق بعد از تحصیل هدی باشد در منی.

[سؤال: ... جواب:] شما استدلال‌تان این بود که لایحلق راسه حتی یذبح. ما می‌گوییم قید خورد این روایت؛ حتی یذبح او یحصّل الهدی فی مکان یصح فیه الذبح.

[سؤال: ... جواب:] اتفاقا ان اشتریت اضحیتک با حج قران نمی‌سازد؛ حج قران سوق هدی می‌کند از ابتداء احرام از میقات علاوه بر این‌که اطلاق دارد. ... در قرآن‌که از هنگامی که محرم می‌شود سوق هدی می‌کند و آن حسابش جدا است. این ظاهرش حج تمتع است که می‌خرد قربانی را و می‌بندد دست و پای قربانی را در کنار رحلش که قربانی گم نشود. و انگهی اطلاقش که مشکل ندارد نسبت به حج تمتع. ... این‌طور که شما می‌فرمایید نیست. رمی جمره عقبه می‌کند همانجا می‌خواهد حلق و تقصیر بکند، با اصحابش وعده گذاشتند، مثلا فلان ساعت قربانی را ذبح می‌کنند، این می‌خواهد سریع حلق و تقصیر کند برود مکه استراحت کند، دو ساعت سه ساعت دیگر قربانی را می‌کشند این حوصله ندارد صبر کند، روایت می‌گوید اشکال ندارد، تحصیل هدی کردی در منی برو حلق و تقصیر کن. وقتی این‌طور شد دیگه نمی‌توانید بگویید حلق و تقصیر در شب مجزی نیست چون باید بعد از ذبح باشد ذبح هم که باید در روز عید باشد. می‌گوییم کی گفته باید حلق و تقصیر بعد از ذبح باشد مطلقا؟

[سؤال: ... جواب:] بگویید بلغ الهدی محله! خب و لو در شب اشتریت اضحیتک و قمطتها فی جانب رحلک این تنزیل شده منزله شب. ... از حیث بلوغ الهدی محله در مقام بیان است. بلوغ الهدی محله است. حالا اگر شرط حلق و تقصیر این است که در روز باشد آن یک شرط مستقلی است. از حیث این‌که بلغ الهدی محله مشکلی ما نداریم؛ بلغ الهدی محله. از این حیث که شما می‌گویید چرا ذبح نکرده حلق می‌کند می‌گوییم بلغ الهدی محله. حالا اگر یک شرط دیگری دارد حلق و تقصیر که باید در روز باشد ما حرفی نداریم؛ تسالم است بر این‌که باید حلق و تقصیر در روز عید باشد برای مختار.

[سؤال: ... جواب:] بلغ الهدی محله محل مکانی را می‌گویند. ... حالا اگر کسی قبل از طلوع آفتاب بیاید به منی ... نمی‌آیند از باب این‌که مردم حالا یا احتیاط را عمل می‌کنند یا مختارند تا طلوع آفتاب می‌مانند. اما افرادی که مختار نیستند کما سیاتی حالا البته فعلا بحث ما مختار است ولی همین مختار هم ممکن است عصیان کند زودتر بیاید منی.

و لذا به نظر ما عمده دلیل بر این‌که مختار باید حلق و تقصیرش بعد از قربانی باشد یعنی بعد از طلوع آفتاب روز عید باشد بعد از قربانی و رمی، عمده دلیل ما تسالم است. و الا این روایات عمده‌اش همان صحیحه جمیل بود که اطلاق نداشت؛ چون در مقام بیان نبود؛ قدر متیقن این بود که وقتی روز بشود اول باید بروید رمی جمره عقبه بکنید بعد بروید ذبح کنید بعد بروید حلق و تقصیر بکنید. اما این‌که شب عید نمی‌توانید حلق و تقصیر بکنید این را با تسالم باید اثبات کنید. یا کسانی که روز عید متمکن از ذبح نیستند آن‌که دیگه آقای خوئی فرمود که ترتیب بین ذبح و حلق ساقط است. وقتی ترتیب ساقط است دیگه شما چطوری می‌فرمایید حتما باید برود ذبح کند بعد حلق کند؟ متمکن از ذبح یوم العید نیست ترتیب ساقط است اثبات کنید حتما شرط تعبدی حلق و تقصیر این است که در نهار یوم العید باشد این جز با تمسک به تسالم قطعی بین اصحاب ظاهرا امکان پذیر نیست. هذا کله نسبت به مختار. اما بالنسبة به معذور.

راجع به معذور، معذور یک وقت خائف هست یک وقت غیر خائف. اگر معذور خائف است که می‌تواند شب عید تمام اعمال را انجام بدهد. خائف یعنی کسی که از دشمن می‌ترسد. و لذا سریع اعمال حج را همان شب عید انجام می‌دهد؛ طواف و سعی و طواف نساء را؛ که گفتند لابأس للخائف که قبل از خروج به عرفات انجام بدهد. انجام داد. رفت عرفات. رفت مشعر. در مشعر که رسید گفتند لابأس للخائف ان‌یرمی باللیل و یضحّی باللیل و یفیض باللیل. همان شب از مشعر کوچ می‌کند؛ می‌رود منی. همان شب رمی می‌کند. همان شب ذبح می‌کند. همان شب افاضه می‌کند. این ظاهرش این است که همان شب عید همه اعمال را تمام می‌کند می‌رود. صبح روز عید می‌بینی که آقا پیدایش شد در فرودگاه گفتند این چه حجی بود؟ می‌گوید ما خائف بودیم از عدوّ و اعمال مکه را قبل از خروج از عرفات انجام دادم و همان شب عید افاضه کردم از مشعر و کل اعمال را که در منی هست همان شب انجام دادم آمدم.

مرحوم آقای تبریزی استاد ما می‌فرمودند خائف اطلاق دارد و لو خائف از زحام. این پیرمردها و پیرزن‌هایی که از ازدحام جمعیت می‌ترسند آسیب ببینند این‌ها خائف هستند.

ولی انصراف دارد الخائف. به قول مطلق بگوییم می‌ترسد ظاهرش این است که می‌ترسد از دشمن نه این‌که از ازدحام جمعیت می‌ترسد. لااقل شبهه انصراف دارد.

اما غیر خائف، معذوری که خائف نیست یعنی چه؟ یعنی زن‌ها، ضعفاء، صبیآن‌که می‌توانند شب از مشعر بیایند منی. همان شب رمی جمره عقبه بکنند ما قبلا گفتیم اگر ذبحی بر آن واجب است از روایات استفاده می‌کنیم توکیل بکنند در ذبح که یک شخصی در روز عید از طرف آن‌ها ذبح کند. بعد از توکیل تقصیر می‌کنند همان شب یا حلق می‌کنند. و بعد از حلق و تقصیر در شب عید می‌آیند مکه اعمال مکه را انجام می‌دهند در همان عید این را ما از روایات استفاده کردیم و شیخ طوسی هم به این فتوی داده این را قبلا هم بحث کردیم ولی اشاره می‌کنم به روایاتش. رخص رسول الله صلی الله علیه و آله للنساء الصبیان ان‌یفیضوا بلیل و ان‌یرموا الجمار بلیل و ان‌‌یصلی الغداء فی منازلهم فان خفن الحیض مضین الی مکة و وکّلن من یضحی عنهن. این راجع به خوف حیض است که اگر خوف حیض دارند همان شب بروند مکه بعد از توکیل در ذبح تقصیر می‌کنند اعمال مکه را می‌روند انجام می‌دهند چون اعمال مکه بدون تقصیر مشروع نیست. عمن زار البیت قبل ان‌یحلق آن روایت می‌گوید که این جائز نیست. طواف بالبیت طواف حج قبل از حلق و تقصیر مشروع نیست.

معتبره دیگر ابی بصیر: لابأس بان یقدَّم النساء. اشکال ندارد زن‌ها را بیاورید منی. این روایت می‌گوید ان زال اللیل بعد از نیمه شب فیقفن عند المشعر ساعة ثم ینطلق بهن الی منی فیرمین الجمرة ثم یصبرن ساعة مختصری می‌ایستند ثم یقصرن و ینطلقن الی مکه فیطفن الا ان‌یکنّ یردن ان‌یذبح عنهن فانهن یوکلن من یذبح عنهن. می‌گوید اگر ذبح دارند توکیل کنند بعد تقصیر کنند. [اگر] ذبح ندارند تقصیر کنند و بروند برای اعمال در مکه. این ظاهرش این است که در همان شب؛ ثم یصبرن ساعة. نمی‌گوید ثم یصبرن حتی تطلع الشمس.

[سؤال: ... جواب:] عرض کردم ما در مورد خائف نص واضح داریم که همه قائل شدند. اما راجع به معذور غیر خائف ما به ظهور ادله تمسک می‌کنیم و لو مشهور قبول نداشته باشند. فرقش این است که خائف را همه قبول دارند این معذور خائف را ما استظهار می‌کنیم از روایات و لو همه قبول نداشته باشند ولی شیخ طوسی قبول دارد.

[سؤال: ... جواب:] مشهور می‌گویند معذورین غیر خائف فقط می‌آیند رمی جمره عقبه می‌کنند در شب تمام شد بروند استراحت کنند روز که شد ذبح بکنند بعد حلق و تقصیر بکنند بعد بروند برای اعمال مکه فقط با مختار فرق‌شان در جواز افاضه از مشعر در شب و جواز رمی جمره عقبه در شب است. ما می‌گوییم نه؛ فرق این‌ها با مختار بیش از این است.

معتبره ثالثه دارد از همین ابی بصیر: رخص رسول الله للنساء و الضعفاء ان‌یفیضوا من جمع بلیل و ان‌یرموا الجمرة بلیل فاذا ارادوا ان‌یزوروا البیت وکّلوا من یذبح عنهن.

روایت چهارم هم معتبره سعید سمّان است: ان رسول الله عجّل النساء لیلا و امر من کان منهن علیها هدی ان‌ترمی و لاتبرح حتی تذبح. کسی که قربانی دارد از این زن‌ها می‌گفتند از منی خارج نشود مگر ذبح کند و من لم‌یکن لها منهن هدی ان‌تمضی الی مکة حتی تزور. آن‌هایی که قربانی ندارند می‌فرمود بروید مکه برای طواف.

این هم اطلاق دارد. یعنی ظاهرش این است که و من لم‌یکن علیها منهن هدی ان‌تمضی الی مکة حتی تزور یعنی شب هم می‌توانند این کار را بکنند.

[سؤال: ... جواب:] آن روایت دیگر صریح بود: معتبره ثانیه و معتبره ثالثه ابی بصیر صریح بود که انهن یوکلن من یذبح عنهن یا فاذا ارادوا ان‌یزوروا البیت وکلوا من یذبح عنهن.

آقای خوئی فرمودند نه، ما بین مختار و معذور فرق نمی‌گذاریم فقط خائف مستثنی است. سیره قطعیه داریم بر عدم جواز تقدیم که انصافا ادعای غیر واضحی هست که ما در مورد معذورین ادعای سیره قطعیه بکنیم بر عدم جواز تقدیم. و همین‌طور استدلال کردند به صحیحه سعید اعرج فرمودند این هم دلیل ما هست که جائز نیست تقدیم حتی بر معذورین. صحیحه سعید اعرج این است: قلت لابی عبدالله علیه السلام معنا نساء قال افض بهن بلیل و لاتفض بهن حتی تقف بهن بجمع ثم افض بهن حتی تاتی الجمرة العظمی فیرمین الجمرة فان لم‌یکن علیهن ذبح فلیاخذن من شعورهن و یقصرن من اظفارهن و یمضین الی مکة الی فی وجوههن آقای خوئی فرموده شما قائل به مفهوم شرط نیستید؟ مفهوم این شرط چیست؟ فان لم‌یکن علیهن ذبح فلیاخذن من شعورهن مفهومش این است که ان کان علیهن ذبح فلایاخذن من شعورهن. صبر کنند ذبح محقق بشود بعد تقصیر کنند ذبح هم که باید در روز محقق بشود.

می گوییم جناب آقای خوئی! اولا مفهوم این صحیحه این است که اگر ذبح داشتند مباشرت و مستقیم سراغ تقصیر نروند یک کاری باید انجام بدهند قبل از تقصیر. اما آن کار چیست؟ ذبح است؟ روایت دیگر می‌گوید نه، توکیل در ذبح است. فان لم‌یکن علیهن ذبح فیاخذن من شعورهن؛ مفهوم این است که ان کان علیهن ذبح باید اول یک کاری انجام بدهند بعد تقصیر کنند. آن کار چیست؟ معتبره ثانیه و ثالثه ابی بصیر می‌گفت آن کار که قبل از تقصیر باید انجام بدهند عبارت است از توکیل در ذبح.

ثانیا: حالا اگر یک زنی ذبح بر عهده‌اش نبود مثل حج افراد مثل زنی که فقیر است پول قربانی ندارد اطلاق این روایت می‌گوید فان لم‌یکن علیهن ذبح فلیاخذن من شعورهن و لو در همان شب.

[سؤال: ... جواب:] آخه آن موقع بحث مختار بود حالا بحث معذور است. ... حج افراد را می‌گویید؟ آن هم رمی جمره که عقبه دارد. در مختار حج افراد باشد عاجز از ذبح هم باشد بعضی‌ها می‌گویند روزه بگیر ولی رمی جمره عقبه دارد یا بالمباشرة یا بالاستنابة اما در این معذور فرض این است که شب رمی جمره عقبه کرد ذبح هم اگر نداشت فلیاخذن من شعورهن اطلاق دارد و لو در شب.

این هم اشکال دوم. و لذا به نظر ما این بحث مشکل ندارد. معذور ین می‌توانند همان شب توکیل در ذبح بکنند تقصیر بکنند بروند مکة اعمال را انجام بدهند همان شب عید تمام می‌شود وظیفه‌شان.

جهت رابعه راجع به این است که آیا واجب است تاخیر حلق از ذبح یا واجب نیست؟ ان‌شاءالله این را فردا بحث می‌کنیم.